

حقیقت

شماره ۲۲۵ ۲ خرداد ۱۳۵۹

زمینه سازان کودتارا هم بشناسیم (۲)

کتابخانه
کتابخانه

بحرانها را در سیستان و بلوچستان، خوزستان و آذربایجان و گنبدجل می کند و در نهایت استقلال، امنیت و تمامیت ارضی ایران را بدست مزدوران آمریکائی به ارمان می آورد.

بنا به اعتراف سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، اولاً آشوب و هرج و مرج سرتاسر کشور را فرا گرفته و استقلال و تمامیت ارضی ایران به خطر افتاده است، ثانیاً این (بقیه در صفحه ۴)

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در بیانیه خود ضمن برشمردن اشکالی که آمریکا لیستهای آمریکائی تحت آن پوششها کودتای خود را در ایران برآوردند انداخت می نویسد که:

"این کودتا با اصطلاح به آشوب و هرج و مرج در سراسر کشور خاتمه میدهد، سران انقلاب و بخصوص پیروان مشی امام را احتمالاً تعدادی از مردم روشنفکر و بیدار را از دم تیغ میگذرانند، مساله کردستان را حل می نماید،

مبارزه

ضد امپریالیستی،

مجلس و

جاسوسان آمریکائی

امپریالیسم آمریکا خواهند داد.

ترکیب مجلس کنسولی و حضور یک اقلیت مبارز و آزادیخواه در آن، چنان است که مطمئناً با پیدایش رنکاشک و مبارزه آشکاری را در این مورد داشت. در این مجلس همانطوریکه پیشتر نیز ذکر کردیم سه دسته بندی عمومی وجود دارند، دسته بندی مر - بوط به حزب جمهوری اسلامی، نمایندگان بورژوازی و تجار و ملاکان و دستجات خرده بورژوازی مرفه و راست متعصب مذهبی، دسته بندی مربوط به "نهضت آزادی" و "دفترها هنگی مردم بسا ریاست جمهوری" نمایندگان (بقیه در صفحه ۴)

مجلس اول جمهوری اسلام می بمحض گشایش با مسائل متعدد و عاجلی روبروست. یکی از این مسائل مسئله مربوط به سر نوشت جاسوسان آمریکا - شی است. آیت اله خمینی تصمیم گیری درباره سر نوشت این جاسوسان را به مجلس شورا سپرده است و بسیاری در انتظار آنند که ببینند این مجلس چه تصمیمی خواهد گرفت. آیا رأی به محاکمه و مجازات این جاسوسان، که ارتباط مستقیمی به ادامه مبارزه ضد امپریالیستی جاری دارد، خواهند داد و آیا منظور که باب طبع محافل بورژوازی لیبرال و نزدیکان آنها و "شورای انقلاب" است، رأی به آزادی این جاسوسان و سازش بسا

پیکار به کدام سو می رود؟

برداشتی یکجانبه از اوضاع و شرایط همیشه در خطر آنست که کار را به ماجراجویی های سیاسی و یا به انفعال و واگذاری از مبارزه بکشاند. مشخصه پیروان این نوع انقلابیگری عبارتست از درک غلط آمیز از جایگاه خود و عوامل مساعد بحال خود، در نظر نگرفتن اوضاع در مجموع و مطلق کردن تفاهای درون (بقیه در صفحه ۴)

ما طی ماههای اخیر در شماره های متعددی از نشریه خود درباره انقلابی گری کاذب جریانهای انحرافی در جنبش کمونیستی نظیر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر گفتگو داشته ایم. این نوع "انقلابی گری" که هم اکنون طیفی از جوانان تحصیل کرده و روشنفکر را فرا گرفته با کشیدن حصار ذهنی میان خود و توده های وسیع و

کارگران، با هر مرام و مذهب و مسلک و ملیت باید در مبارزات طبقاتی و ملی خود صف متحدی را تشکیل دهند.

حقیقت

مبارزه ضد امپریالیستی، ...

(بقیه از صفحه اول)

امپریالیسم آمریکا و فیصله دادن به مبارزه ضد امپریالیستی کنونی هستند، لکن به منظور پیشبرد منافعشان در این کشاکش درونی و بدست آوردن پشتیبان

لایه های راست و میانه بسو - رزوازی ملی و لیبرال و با - لایه های پائینی و رادیکال بورژوازی ملی و خرده بسو - رزوازی متوسط و میانه ، کسانی چون سامی ، مجتهد شستری ، اصفهانی و امثالهم . از این سه دسته بندی، گروه های اول و دوم که اکثریت قاطع مجلس را تشکیل میدهند بنا بر ماهیت طبقاتی و حر - کتشان در سال گذشته ، خواهان سازش با امپریالیسم آمریکا و در نتیجه رأی بسو آزادی جاسوسان و ضربه زدن به مبارزه ضد امپریالیستی مردم ما هستند و گروه بندی سوم مواضعی رادیکال داشته ، به درجات مختلفی ، تمایل به ادامه این مبارزه و در نتیجه رأی به محاکمه و مجازات جاسوسان آمریکائی دارند . لکن کشاکشی که میان این دو جریان وجود دارد ، در عین حال تحت تاثیر کشاکش دیگریست و میتواند با توجه به شرایط کنونی و ترکیب مجلس تجست الشعاع آن قرار گیرد . این کشاکش ، اختلاف و مبارزه حادی است که میان دسته بندی منتسب به " حزب جمهوری اسلامی " یا " انصار طلبان " و دسته بندی مربوط بسو " نهضت آزادی " و بنی صدر یا " لیبرالها " وجود داشته بر حسب شرایط اشکال متفاوتی بخود میگیرد . این دو گروه گرچه هر دو خواهان سازش با

یکدیگر خواهند بود و هر کس آن دیگری را به " سازشکاری " نیز متهم خواهد کرد و در این میان نمایندگان " حزب جمهوری اسلامی " که پد طولانی نیز در مکاری دارند ، از دیگری پیشی خواهند داشت . مردم ما نباید فریب این لفاظی های بی پایه را بخورند و با ید بسا شناخت کامل از انگیزه این ما نورها و لفاظی ها ، به عیصل و نه حرف نگاه کنند .

سناریوئی که از مدت ها قبل در محافل در داخل و خارج رواج یافته است و احتمال پیدا شده شدنش نیز از طریق این مجلس هست ، چنین است که پس از چندین نطق و خطابه " پرشور " و " قاطع " ، رأی به محاکمه " آمریکا " داده شود و از جاسوسان آمریکائی نیز به عنوان " شاهد " استفاده گردد و حتی چنانچه شرایط روزیجا بکند ، برخی از این جاسوسان نیز محاکمه و محکوم شوند و بعد با " وساطت " یک مقام مذهبی یا سیاسی بین المللی یا داخلی " بزرگواری " نشان دند و در همه جلساتی که آمریکا شی از ایران " اخراج " (آزاد) گردند . طراحان این سناریو حساب کرده اند که از این طریق ؛ اولاً بسو وجهه " ضد امپریالیستی " سران " حزب جمهوری اسلام " و بورژوازی لیبرال ضربه نخواهد خورد و " قاطعیت " آنها حفظ خواهد شد و ثانیاً ، در نهایت جاسوسان آزاد شده و همه چیز بخوبی و خوشی (البته برای سازشکاران) به پایان خواهد رسید و ثانیاً ، فایده نشان دادن " بزرگواری " هم آنست که در میان محافل امپریالیستی و افکار عمومی اروپا و آمریکا ، وجهه ایران (البته ایران سازشکاران)

بالا خواهد رفت و فشارها بر - داشته خواهد شد . مردم ما چنانچه با هو - شیاری و دقت به توطئه های از این قبیل برخورد ننمایند و بموقع میج سازشکاران و ضد انقلابیون را نگیرند ، پس از مدتی متوجه خواهند شد که سازش زیر پوشش " قاطعیت " و " بزرگواری " صورت گرفته و کار از کار گذشته است . دوباره سروکله کمیسیونهای تحقیق و نماییندگان احزاب اروپایی و فرستادگان رنگارنگ دنیای امپریالیسم بنا به خواست و اشارات مسئولین دولتی راهی ایران شده اند . جراید از برنامہ سفرا دیب داودی ، عضو کمیسیون تحقیق سازمان ملل خبر میدهند ، از وکلای آرژانتینی و فرانسوی بران - که معلوم نیست چگونه توسط کمی وکالت یافته اند ، مینویسند که طرحهایی برای آزادی گروگانها تدوین کرده اند که توسط نماینده حزب سوسیالیست اسپانیا قرار است امروز به ایران بپلید (۴ خرداد) . آقای دکتر باهنریکی از اعضاء " شورای انقلاب " در مصاحبه خود با مجله آمریکا پی نوشت : زویک مورخ ۲۶ مه ۱۹۸۰ پیش بینی کرده اند که مجلس در حوالی اواسط تابستان بحث پیرامون آزادی گروگانها را در دستور کار قرار خواهد داد . جالب اینجاست که همین مجله در همین گزارش خود از قول یک دیپلمات خا - رجی مقیم تهران مینویسد که " ماسمی خواهیم کرد که در آغاز محدودیتهای (اقتصائی) را به آرامی پیش ببریم چرا که معتقدیم به مجلس (ملی ایران) باید فرصت کافی داد تا بدون اینکه خود (بقیه در صفحه ۳)

مبارزه ضد امپریالیستی، ...

(بقیه از صفحه ۲)

مملکت است که یک دادگاهی برای گروگانها برقرار کرده تا دنیا متوجه شود که آمریکا چه جنایاتی در طی حکومت شاه کرده

را اینگونه جلوه دهد که تحت فشار ما عمل میکند، گروگانها را آزاد نماید. (همانجا) آقای دکتر بهشتی نیز که در راس باندا کامبر "حزب جمهوری اسلامی" است و در "شورای انقلاب" پروبیایی دارد، در باب این مسئله اظهاراتی را به همان مجله آمریکا بی مورخ ۱۹ مه ۱۹۸۰، ایراد کرده اند که در خور توجه است. مقاله ای که در این مجله نوشته شده است، تحت عنوان "چگونه گروگانها را آزاد کنیم" میباشد. نویسنده این مقاله که سعی کرده است راه حلی برای آزادی گروگانها طرح نماید، بخشی از استدلال خود را بر نظریات آقای دکتر بهشتی مبتنی کرده است. نویسنده مقاله معتقد است که آمریکا فعلا در ظاهر تنها بدست به اقدامی بزند و اجازه دهد که خود و قایق ایران و بویژه مجلس شورای ملی مسئله گروگانها را حل نماید. چرا که طبق اظهاریه بهشتی گروگانها آزاد خواهند شد. در مقاله چنین آمده است: "در هفته قبل نقطه نظر ایران به بهترین شکلی توسط آیت الله محمد بهشتی، رهبر موثر حزب جمهوری اسلامی که بزرگترین فراکسیون در مجلس جدید خواهد بود، برای من جمع بندی شد. بهشتی اینگونه گفت: 'این تنها خواست حزب (جمهوری اسلامی) نیست، بلکه خواسته

است. ولی زمانیکه من پرسیدم آیا گروگانها با سیاست محکوم شوند، او گفت: "مسئله محکومیت مهم نیست، اعتقاد من اینست که مردم خواهان محکوم شدن گروگانها نیستند." (نیوزویک، ۱۹ مه ۱۹۸۰). و این اظهارات آقای بهشتی است پیرو جمله نظامی آمریکا به ایران! آقای بهشتی از قبل میدانند که رأی این دادگاه چه خواهد بود، و حتی میدانند که گروگانها نیز که جرمان برای مردم ما مسلم است، محکوم نخواهند شد، و شاید حتی با دسته گل در فرودگاه مهرآباد بدرقه شوند. آری به احتمال زیاد دادگاهی برای گروگانها برقرار خواهد شد، لیکن هدف اصلی آن نه محکوم کردن آمریکاست، نه بسیج مردم برای ادا مسه و گسترش مبارزه با آمریکا، هدف اصلی چنین دادگاهها نمایشی رها کردن بقیه دولت مردان کنونی از دست مردم ایران خواهد بود و عوام فرسویی. از اینجا روشن میشود که حدود و شغور "مبارزات ضد امپریالیستی" آقایان بهشتی و شرکا نیز از چهسار خوب این نمایش عوام فریبانه با فرا ترمیمی گذارد. تنها یادگذاشت مبارزه ضد امپریالیستی کنونی و سرنوشت جاسوسان آمریکائی قربانی رقابت و مانورهای مکارانه وزیرکانه محافل حاکمه گردد. مردم ما درگذر

شته نیز به دفعات راه سازشکاران را با اقدامات توده ای خویش سد کرده اند و از هم اکنون نیز با یدبه چنین اقداماتی رو آورند. و در این میان اقلیت مبارز و آزادیخواه، چنانچه بخوانند به اعتقادات و جایگاه خویش مومن بمانند، باید منعکس کننده این حرکت بوده، از تریبون مجلس، بدون هیچ ملاحظه کاری و ترس از "تکفیر" خواسته های واقعی مردم ما را در این مبارزه بزرگ منعکس نمایند.

طبقه کارگران و نیروهای انقلابی که در این مجلس نماینده ای ندارند، باید تکیه خود را بر فشاری از خسار و از پائین استوار گردانند و با دست زدن به اقدامات توده ای، تظاهرات ها و گردو همایش ها و صدور قطع نامه های ضد امپریالیستی، با خواست ۱ - محاکمه و مجازات بسی چون و چرای همه جاسوسان آمریکا، ۲ - قطع کامل وابستگی ایران به امپریالیسم و بخصوص آمریکا، از طریق مصادره و ملی کردن تمامی سرمایه های وابسته، افشاء و لغو همه قراردادهای اسارتی و چهره زمینها اقتصادی و چهره آبروی و چهره فرهنگی، عرصه را بر سازشکاران و ضد انقلابیون مستقر در این مجلس تنگ نماید. ۳ - مبارزه بزرگ خویش تداوم و استواری بخشد. ۴ - با یدجهبه ضد امپریالیستی متحدی جدا از وابستگان به امپریالیستها، بخصوص در ابر قدرت، آمریکا و شوروی، تشکیل داد. این مجلس نماینده مردم ما نیست و در نتیجه حق هم ندارد که درباره سرنوشت جاسوسان آمریکا تصمیم بگیرد، لکن این حقیقت بخودی خود کافی نیست، بلکه با یدبه عمل تبدیل گردد. اگر این مجلس

نماینده مردم نیست و حق هم ندارد که از سوی مردم ما تصمیم بگیرد، پس مردم باید مستقلند دست به اقدام زنند و با خواسته های بالا تصمیم خود را اعلام دارند. فقط در چنین حالتی است که میتوان رأی واقعی ملت را اعلام و به اجراء گذاشت. ما از همه نیروهای آزادیخواه و مترقی ضد امپریالیست و دموکراتیک، در راه انجام این امر مهم دعوت به عمل مینمایم.

ناگفته پیداست که در عرصه مبارزه با امپریالیسم ملت ما، آنچه اساس کار است تعیین تکلیف با امپریالیسم و بخصوص امپریالیسم آمریکا، بر پایه قطع همه وابستگیها و اقتصاد، چه سیاسی، چه فرهنگی و چه نظامی میباشد و پاسخ به سئوال سرنوشت جاسوسان آمریکا نیز تنها در این متن میتوان پیدا داشته باشد. پایه و اساس کار، قطع همه وابستگیها و کسب استقلال کامل است و سرنوشت گروگانها و چهره خاص آن میباشد. هتندکسانیکه میکوشند اذهان را از این مسئله بزرگتر منحرف کرده و در جد سرنوشت گروگانها خلاصه نمایند، حال آنکه سرنوشت گروگانها با ید در پرتو سرنوشت عظیم ملت ما با امپریالیسم آمریکا تعیین گرد و نه جدا از آن. پس پیداست که طبقه کارگران و همه نیروهای انقلابی با یدبر این زمینه تکیه نمایند و در برابر کسانیکه میکوشند اذهان را منحرف سازند ایستادگی کنند. *

زمینه سازان
سوزانند با ید نصرت با ندها و گروه بندی های ضد انقلابی انحصار طلب و سازشکاران از مراکز قدرتشان به زیر کشند که اینان زمینه سازان کودتا هستند. *

پیکار
قو به کدام سومی رود؟

بقیه از صفحه ۱

کاذب و فرعی و رودر و قرار گرفتن مردم در برابر مردم است، آنگاه انقلاب هم در حال تکامل بی وقفه و روبه اعتلا نبوده بلکه در سمت قهقرا و در سراسیمه نابودی قرار گرفته است، و بنا بر این کلی گوئی های "پیکار" راجع به "اعتلائی مبارزه طبقاتی" و "تکامل بی وقفه انقلاب" جز برده ساتری بر نظرات بسند، بینا نه افراطی راجع به شرایط مشخص حال و اعتقاد به رکود "مبارزه طبقاتی" و "ملی" مشخص نمیباشد. "پیکار" میدانند، یعنی می توانند میدانند، که اگر "مسیر" اجتناب ناپذیر و "مهمترین ویژگی وضعیت کنونی، بروز و تشدید یک جنگ برادر کشی است، این بمعنای مرگ و نابودی هر انقلاب واقعی و هر "مبارزه طبقاتی و ملی" واقعاً توده ای بوده و در نتیجه تلاش برای باصلاح "فرارویانند مبارزه طبقاتی" از درون چنین جنگی نیز چیزی جز ما جراحی و بدتر، آلت دست عا ملان برانگیزنده این جنگ (بقیه در صفحه ۵)

"مبارزه طبقاتی و ملی" درجا - مع ما نیز محکوم به عبور از این "مسیر پر سنگلاخ و دردناک" می باشد. بقول "پیکار": "ما میتوانیم این روند را کوتاهتر نمایم... مبارزه طبقاتی را با سرعت بیشتری از درون این جنگ اجتناب ناپذیر داخل فرارویانیم، لیکن نمی توانیم از تحمیل این روند بسر جا مع جلوگیری نمایم". "پیکار" در مقاله اش "زیاد در باره "روند رو بگسترش انقلاب و تشدید مبارزه طبقاتی و ملی"، در باره "حرکت رو به اعتلا" و پیشرفت "بی وقفه" انقلاب دم میزند، ولی طبعاً میدانند، یعنی میتوانند میدانند، که اگر روند حرکت جا مع و چشم انداز آن یک "جنگ برادر کشی" است، اگر روند و چشم انداز مقابل ما "بطور اجتناب ناپذیری" تشدید تظاهراتی

خواه نا خواه عواقب عملی خود را نیز بدنبال خواهد داشت، بر ملا میکند، بزعم نویسندگان مقاله یاد شده، جا مع ما با وجود "حرکت رو به اعتلائی انقلاب" در آن به چنان زنجیره ای از تضادهای و بحرانهای سیاسی و اجتماعی گرفتار آمده که اکنون به اراده "سیاست جدید" هیات حاکمه، داکتر "تشدید جنگ داخلی و برادر کشی"، چاره ای جزئی "روند دردناکی" که "موافق تمایل و آرزوهای ما نیست" در مقابل نمیتواند داشته باشد. این "روند دردناک" که "جا مع را بطور اجتناب ناپذیری... بسمت یک جنگ برادر کشی و تشدید تضادهای کاذب و به تعارض کشیده شدن تضادهای فرعی" در میان بخشهای مختلف خلق "سوق میدهد"، "مهمترین ویژگی وضعیت کنونی" بوده و

خلق و بیش از دیگران باشد، که بسرعت میتوانند جای خود را به انواع نظرات فرصت طلبانه راست، بدبینی مفرط نسبت به اوضاع و احوال و قدر بدهد، نمونه آن در مسیر همین خط فکری سازمان پیکار است که در سر مقاله پنجاه و چهارمین شماره نشریه خود (۲۲ اردی بهشت ۵۹)، زیر عنوان "جا مع ما به کدام سومی رود؟"، به کشفیات تازه ای دست یافته است.

در مقاله یاد شده، که مطابق با عنوانش بررسی های جدید سازمان پیکار را از سمت و سوی حرکت جا مع و دورنمای انقلاب عرضه میکند، بنحویس رزی عواقب نظری انحراف نیمه تروتسکیستی و انقلابی گری کاذب جریانهای نظیر "پیکار" را در جنبش ما، که

بالیسم آمریکا در مبین صورت پذیرفت. اما ما را در دست بستی صدور ا رودسته بهشتی بیشتر ما نه ما ننند همیشه حقایق را در برابر مردم ما رونه جلوه دادند و دستگاه های تبلیغاتی خود را بکار انداختند که بلبه گروه های دست چپسی از طرف آمریکا ما موریت داشتند که همزمان با عملیات نظامی آمریکا، دانشگاه ها و مدارس عالی را به آتش بکشانند، اما این ضدا انقلابیون فراموش کردند که آغازگر آتش بود در دانشگاه ها خودشان بودند که با بیانه "انقلاب فرهنگی" به دانشگاه ها و مدارس عالی وحشیانه و پهلوی و آریورش (بقیه در صفحه ۵)

بقیه از صفحه ۱

زمینه سازان کودتا را هم بشناسیم

میدهند، این دودسته عا مسل تمام می آتش ها و هرج و مرج در سرتا سر کشور هستند، هرگاه تک تک وقایع پس از قیام بهمین ماه را مورد بررسی قرار دهیم در هر یک میتوانیم به روشنی جای پای عوام لرژیم سرنگون شده شاه، سازشکاران و انحصار طلبان و واپسگرا - یان ضدا انقلاب را مشاهده کنیم. همین وقایع خونین دانشگاه ها را با طرا و رید که همزمان بود با عملیات نظامی شکست خورده آمریکا در ایران و بی تردید در ارتباط مستقیم با توطئه های امپری

است که در کار برپا کردن هرج و مرج و به خطر انداختن استقلال و تمامیت ارضی ایران دودسته فعال و مشغول به کار هستند، دسته اول: سرمایه داران وابسته، فشو - دالها و زمینداران بزرگ و محتکرین، فرماندهان ارتش و شبکه های احیاء شده ساواکی های فراری و آزاد شده و بازماندگان رژیم شاه در کلیه دستگاه های دولتی - دسته دوم: دارودسته های سازشکار، انحصار طلب، واپسگرا و ضدا انقلابی که روی هم "شورای انقلاب" و دولت را تشکیل

آشوب و هرج و مرج غمناک و زمینه ای است که آمریکا - لیستهای آمریکایی میتوانند بر بستر آن کودتا کنند. حال باید دید که این هرج و مرج آورده اند، و هر روز هم بستر آن بیشتر دامن میزنند. اگر از دارودسته ضدا انقلابی و سازشکار ربنی در اروپا زرگان و بازرگانان ضدا انقلابی و انحصار طلب بهشتی - رفسنجانی بپرسید که چه کماتی جا مع ما را در سبب خوش هرج و مرج نموده اند، بلافاصله خواهند گفت، کمسو نیست ها. اما حقیقت این

زمینه سازان کودتا
را هم بشناسیم

را در سه کلمه خلاصه کرده است:
"امنیت"، "حاکمیت قانون"
و "تولید"، و البته چاشنی
اینها "بحث آزاد" و میزگرد
رئیس جمهور است.

بقیه از صفحه ۴

اگر قرا راست که وقایع خونین دانشگاهها با ما جرای طیس
ارتباط داشته باشد که بنظر ما حتما ارتباط داشته است،
باید در حزب جمهوری اسلامی بدنبال این ارتباط گشت
نه در گروه های چپ.

آوردند و دانشجویان مبارز ما
را با خاک و خون کشیدند و اگر
قرا راست که وقایع خونین
دانشگاهها با ما جرای طیس
ارتباط داشته باشد، که بنظر ما
حتما ارتباط داشته است، باید
در حزب جمهوری اسلامی به
دنبال این ارتباط گشت نه در
گروه های چپ. با پیدا رودسته
بهشتی - رفسنجانی را در دادگاه
گناه خلق به محاکمه کشاند تا
معلوم گردد چه کسانی در چار-
چوب حفظ منافع امپریالیسم
فعالیت میکنند و چه کسانی در
شرایطی که میهن ما از هر سواد
معرض تجاوز و توطئه های
آمریکا قرار دارد ابدجای قرار
دادن مردم در مقابل امپریا-
لیسم آمریکا، مردم را در برابر
مردم قرار میدهد و از این
طریق قدرت خلق را تضعیف
نموده، به هرج و مرج و آشوب
دامن میزنند و در نهایت راه
را برای تجاوز و توطئه گری
آمریکا هموار میسازند. آری
با پیدا زبانه بهشتی فتنه انگیز
و مکار پرسید، در شرایطی که
آمریکای جهانخواار مشغول
طراحی یک سلسله توطئه و
خرابکاری در میهن ما است و
تفنگداران آمریکائی با
همدستی فرماندهان ارتش
جمهوری اسلامی در قلب ایران
پیاپی میشوند چگونه ایشان
یکبار ره نیشان یادهندوستان
میکند و انقلاب فرهنگی را
بها نه ای جیت حمله به نیرو -

یعنی از یک سو برای
برقرار کردن حاکمیت "قا -
نون" و با بهانه "انقلاب
فرهنگی" دانشجویان مبارز
را فقط به جرم عشق عمیقشان
به زحمتکشان و ستمدیدگان
این کشور به خاک و خون کشند
وزندانها را به شیوه رژیم سر-

میکند. اینان در پی برقرار
کردن نظم و آرامش بورژوازی
خود و در روی کارگران،
دهقانان و دانشجویان ودا -
نش آموزان مبارزی که خوا -
هان به سرانجام رسانند
انقلاب دمکراتیک و ضدامپری-

... از طرف دیگر دارودسته سازشکاران و انقلابی بنی صدور
با زرگان که انقلاب ایران را مدتهاست تمام شده میانگام
رند و قاتلهاش راهم خوانده اند در پی برقرار کردن نظم و
نظام بورژوازی، خود به آشوب و هرج و مرج در جامعه ما
دامن میزنند....

نگون شده از آنان انباشته
سازند و از سوی دیگر آقای
رئیس جمهور با یک مشت از
هم قماشان خود و چند گروه
سیاسی بر سر میز گرد بنشینند
و درباره اینکه "انقلاب فر-
هنگی چیست" بلبیل زبانی
کنند و نمایش تهوع آور
(بقیه در صفحه ۶)

یالیستی ایران هستند همه جا
صف آراشی میکنند، بر آن مهر
ضدانقلاب می کوبند و سرانجام
برای سرکوب و به خاک و خون
کشیدن مبارزات عادلانه
توده های خلق با با تدرسد
انقلابی بهشتی - رفسنجانی
همنگر میشوند. بنی صدر
سیاست دوستان لیبرال خود

پیکار بکدام سو میرود؟

بقیه از صفحه ۴

لهاش به "عملکرد و امان
گرفتن انبوهی از تضادهای
اجتماعی و سیاسی، داخلی و
خارجی در آن واحد" اشاره می
کنند که "روند بفرنج و
بیجیده ای را برجا مسمه
تحمیل کرده" و در مجموع خود
"جا مسمه را در مسیر پرشتاب یک
بحران همه جانبه سیاسی و
اجتماعی به پیش میرانند".
این تضادها چه میباشند؟ این
تضادها عبارتند از: "رشد
مبارزات طبقاتی و ملی میان
طبقات زیر دست و بالادست،
رشد دامن تضادها و درگیری -
های جناحهای مختلف هیات
حاکمه، گسترش توطئه های
امپریالیسم آمریکا و متحدین
(بقیه در صفحه ۷)

زدگی ابلهانه کشیده شود و یا
سردگریان نهاده راه
انفعال و واگذاری سیاسی در
پیش گیرد.
اما چگونه و با چه استند -
لالاتی، "پیکار" به این سر -
داشت از اوضاع و نتیجه -
گیریهای سیاسی برای جنبش
مارسیده است؟ و چگونه این
غوطه و روشن خود را در فرصت -
طلبی آشکاری که میخواهد
"ازدرون" یک جنگ برادر -
کشی "مبارزه طبقاتی" به
اصطلاح "فرا رویاند"، توجیه
می کند؟
"پیکار" در آغاز مقما -

شدن، نمی باشد. در این صورت
انقلابیون نه "ازدرون" این
جنگ طبقاتی و ضد مردمی
بلکه بر علیه این جنگ و بر
خلاف حرکت مواملی که جنگ
برادرکشی را تحمیل میکنند
حرکت میکنند. "پیکار" با این
تفسیر بدبینانه ای که از
اوضاع میکنند و روش تسلیم
عاجزانه ای که در برابر این
"عبور" اجباری "ازدرون این
جنگ اجتنابنا پذیر"، که
"موافق تمایل و آرزوهای"
ایشان هم نیست، در پیش می -
گیرد، چاره هم ندارد که یا به
یک نوع ماجراجویی و عصیان -

حقیقت

سیستان و بلوچستان
و غیره میگذرد زمینه-
هائی هستند که امیر-
یا لیسیم آمریکا می-
تواند در کودتای خود
از آن سودجوید بلافا-

زمینه سازان کودتا را هم بشناسیم

(بقیه از صفحه ۵)

دموکراسی را در جمهوری اسلامی بدهند. یعنی از یک سو کارگران و دهقانان میهن ما بدون توجه به اینکه روابطشان با سرمایه داران و فئودالها با یکدیگرگون شود هم-چنان به شیوه سابق استثمار شوند و زندگی پر درد ورنج خود را با آسودگی اینبار تحت لوای اسلام بگذرانند، کارگران بیکار به رگبار مسلسل بسته شوند، در کارخانه ها شوراهای واقعی کارگران برهم زده شود، محیط خفقان آور ایجاد کنند و کارگران آگاه و نیا زرا با زدن آنها- مات واهی و پوچ اخراج کنند. و از سوی دیگر آقایی رئیس جمهور بر سر میزگردد "بحث آزاد" بنشینند و بسیار برخی از دلایا ختگان آزادیها بورژواشی پیرامون این موضوع که "زیربنای چیست" به بحث بپردازند.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در بیانیه خود هم چنین به این نکته اشاره میکنند که کودتای آمریکایی از جمله با این هدف بمیدان میاید که "مسئله کردستان را حل مینماید و بحرانها را در سیستان و بلوچستان، خوزستان، آذربایجان و گنبد حل نماید." سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی اگر به این نتیجه رسیده است که آنچه در کردستان و گنبد و خوزستان و

گنبد و سوایر مناطق مسالسه گروه های مسلح دست چپ است و کمونیستها برای تضعیف دولت در این مناطق آتش بپا کرده اند و با فتنه انگیزی و فدا انقلابی بهشتی که بر احساسات مذهبی توده های نا آگاه سوار شده -

اندم مسئله کردستان و گنبد را مساله جنگ اسلام و مارکسیسم وانمود میسازند، اما علیرغم دروغ ها و ریاکاریهای بنی-صدها و بهشتی ها، دهقانان کردستان و گنبد و فارس و... خود بهتر از هر کس دیگر می-دانند که برای چه مبارزه می-کنند و در مقابل خواسته های برحقشان چه کسانی قتل علم کرده اند، بگذارید جواب بیا-ز شکاران و انحصار طلبان ضد انقلاب را از زبان گروهی از دهقانان فارس بدهیم، نمایندگان مردم "گرم" فارس در شکایت نامه ای به دفتر امام چنین مینویسند: "ما مردم گرم که پس از سال های متعادی که در زیر یوغ عمال کثیف پهلوی مانسند قوامیها و علمها بوده ایم و از ۱۹ سال پیش در جریان تقسیم اراضی، زمین های ما به یک فئودال بنام فتحعلی جعفری فروخته شد و حق ما غصب شده است. بعد از انقلاب با شکایت اهالی به دادگاه انقلاب، آیت اله علی محمد دستغیب حاکم شرع شیراز زمین های غصب شده را به کشاورزان تحویل داد. فتحعلی جعفری هم دوباره دستگیر شد ولی با کمک فئودالها و خوانین از زندان آزاد شد و هم اکنون مشغول توطئه است. بعد از مدتی آیت اله مندلیب حاکم شرع کنونی که به کمک فئودالها برخاسته است، حکمهای آیت اله دستغیب را لغو و مجددا حکم تصرف زمینها را به فئودالها داده است و لای-

زارعین به هیچ وجه دست از زمینهای خود بر نمی دارند، با این توصیف بین زارعین و مالکین درگیری شروع شده و در فارس، کردستان دیگری بوجود خواهد آمد. مستعدی است با رسیدگی به این جریان، فارس که آتش زیرا کستر است از مهلکه نجات دهید. این نامه با امضای ۱۴ تن از معتمدین روستای گرم بدفتر رسیدگی به شکایات دفتر امام رسیده است "کیهان" سه شنبه ۳۰ اردیبهشت ۵۹. حال معلوم شد که کسانی در فارس مشغول آتش افروزی اندومی خواهند آنجا را به کردستان دوم بدل سازند. آیا فردا خانه های فتنه انگیز در نماز جمعه و قیحا نه فریاد بپراوردند که مساله فارس نیز جنگ بین اسلام و کفر و جنگ بین اسلام و مارکسیسم است؟ راست این است که در روستاهای انحصار طلب و در راس آنها با نداشتند انقلابی بهشتی و رفسنجانی و دار و دسته سازشکاران و آن گروه بندی بنی صدها زرگان گرچه به شیوه های گوناگون اما با یک مضمون و محتوای در دامن زدن به آشوب و هرج و مرج با همدیگر سهیم اند. اینسان با حرکت از تعبیرات و تفسیر خود از نظم و آراش، کلیسه حرکات ضد انقلابی را در جامعه رهبری میکنند و در حقیقت خود برپا کنندگان هرج و مرجی هستند که امروزه بر بستر آن توطئه های خود را طرح ریزی میکنند و فردا با تکیه بر جناحهای از هم پهن هیئت حاکمه با اجرای یک کودتای خونین قدرت سیاسی را دوباره به جنگ خواهد آورد پس اگر سازمانهای اسلامی و آن جمله سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نگران کودتا هستند و برای "امت" خویش دل می-

پیکار بکدام سو می رود؟

بقیه از صفحه ۵

انهدام است! آیا توصیفی
خطا تراز این میتوان یافت؟
آیا این نیست که همه حرفهای
"پیکار" درباره پیشرفت بی-
وقفه انقلاب و "خیزهای فرا-
گیر" و غیره در این مقاله،
هما نظر که گفتیم، پرده ساختی

برفتوای واقعی ایشان در-
باره رکود و سیر قهقرا ثنی
اجتناب ناپذیرا نقلا بدر
کشور ما میباشد؟ (مگر آنکه
"پیکار" برادر کشی راهم، که
میخواهند "مبارزه طبقاتی" را
"از درون" آن فرارویا ننند،
"انقلاب بی وقفه" و "خیز فرا-
گیر" بحساب آورد!)

چگونه است نیروها
نظیر "پیکار"، که "بخش های
آگاه خلق" راهم با خود همراه
میدانند و از قرا رمعلوم انقلاب
راهم بی وقفه پیش میبرند،
دربرا برسایست گمراه کننده
هیئت حاکمه ای که خود گرفتار
"تضادهای و درگیریهای جناح-
های مختلف" و "بحران سیا-
سی" میان خود و آمریکا است،
چندان عاجز و ذلیل شده اند
که چاره ای نمی بینند جز آن
که از "سیر پر سنگلاخ و درد-
ناک یک جنگ داخلی"، یعنی
از مسیر همان "تضادهای کاذب"
و "فرعی" و "برادر کشی"،
"عبور" کنند؟! آیا این
مسأله کمی عجیب بنظر نمی-
آید؟ آیا این نیست کسیه
آگاه "چندان هم آگاه نیستند
و بلکه درست ناآگاهانند در
همان سیری که "سیاست رژیم"
میخواهد آنها را به تله اندازد
یعنی در مسیر قطب بندی بر-
اساس "تضادهای کاذب و فر-
عی" و قرا رگرفتن در برابر
"توده وسیع مردم ناآگاه" و
"برادر کشی"، در غلته اند و
اکنون بجای تعویض مسیر خود
"عبور" از آن را تا به آخر
توجیه میکنند؟ اگر این مدت
و سوشی که سیاست رژیم بر مردم
(بقیه در صفحه ۸)

نیدن انقلاب دمکراتیک، بر-
دو اساسی ترین زمینه ها ثنی
که دوستان و دشمنان طبقه
کا رگر در این مرحله تعریف
گشته و تا کتیک سیاسی پیشا-
هنگ پرولتری را مشخص میکند
تکیه نمیکند و نمیخواهد بکنند.
"پیکار" در نتیجه گیری
از عملکرد "سلسله زنجیر تضاد-
های" یاد شده، با آن معنا و
مفهوم محدودی که از آنها دارد،
از یکسو معتقد است که "انقلاب
بی وقفه پیش میرود و در مسیر
خود تمامی خس و خاشاکی را که
بنحوی بر سر راه خود مانع می-
بیند، به کناری پرتاب میکند"
ولی از سوی دیگر بر این باور
است که "سیاست جدید" هیئت
حاکمه "که در سال جدید" بطور
سیستماتیک در سطح گسترده و
همه جانبه ای در پیش گرفته
شده، جا صه را "بطور اجتناب-
ناپذیری" در مسیر "تشدید
جنگ داخلی و برادر کشی" و
"قراردادن بخشی از مردم در
برابر بخش دیگر و یا قراردادن
توده وسیع مردم ناآگاه در
برابر نیروهای انقلابی و به
مسیر "جنگی که در ابتدا و شاید
در طی یک دوره (...) اقشاری
از توده ها را در برابر بخش های
دیگری از آنها قرا رمیدهد و
کشور را درگیر یک برادر کشی
می نماید"، قرا ر داده است.
توجه کنید: انقلاب بی وقفه
پیش میرود و هر خشی و خاشاکی را
(یعنی هر مخالف انقلابی را)
بیکسو میافکند، ولی انقلاب
بطور اجتناب ناپذیر در مسیر
برادر کشی، یعنی نابودی،
قرا ر گرفته است! انقلاب رو
به اعتلاء است ولی جبر او به

توده ای است، بعلت ابتلاء به
گرایشهای انحرافی و نیمه-
تروتسکیستی از قماش نظریه
انحرافی "نظام سرمایه داری
وابسته" و کمبها ثی به تضاد
ملی با امپریالیسم، بعلت
طرز تلقی روشن فکر ما بانه از
"مبارزه طبقاتی"، اکونومیس
در جنبش کارگری و درک نیمه-
آنا رشیستی از وظایف طبقه
کارگر در این مرحله از انقلاب،
قا در هم نیست که برداشت
درستی از "سلسله زنجیر-
تضادهای" یاد شده، محتسوا و
جنبه اساسی آنها و معنای خاص
آنها برای انقلاب ما بدست
دهد و سمت گیری و تا کتیک
صحیحی را در شرایط حاضر
در پیش گیرد. هما نظر که در
گذشته درباره "پیکار" گفته-
ایم و از متن همین مقاله هم
کا ملا روشن میباشد، در قا موس
"پیکار"، "مبارزات طبقاتی
ملی" و تضادهای اساسی که
انقلاب را در سمت اعتلا ثی می-
تواند اوج دهد، در بیکر شته
مبارزات اقتصادی و رفسا هی
کارگران، احیا نا جنبش ملی
در کردستان و همچنین حرکت-
های سیاسی در میان روشن-
فکران و دانشجویان، کسیه
پیکار هما میدخود را بر روی
آنها گذارده (نمونه اش: بر-
گزاری با مصلا ح اول ماه سه
جلوی دانشگاه)، خلاصه میشود.
"پیکار" هیچگاه جنبش های
انقلابی دهقانان ایسران و
نبرد عمومی خلق علیه امپیر-
یالیسم و عمالش را درک نکرده
نمی بیند و نمیخواهد ببیند، و
از ایسر و بر این دو اساسی ترین
پایه های حرکت طبقه کارگر
ایران برای به انجام رسا-

ایرانی و تشدید حرکات تجا وز-
کارانه آن، شدت بحران سیا-
سی میان دولت آمریکا و
ایران، افزایش بحران سیا-
سی ایران و عراق و... از
بررسی این تضادهای درهمین
حدی که طرح شده، هر آ دم با فهمی
فورا نتیجه میگیرد که پس، شکو-
فا ثی مبارزه توده ای و دم-
کراتیک "طبقات زبردست"،
امکان سیلان آن با توجه به
"تضادهای و درگیری جناح های
مختلف" حاکم و در نتیجه تفرقه
بیشتر میان جناح های آن،
اوج گیری یک نبرد فدا مپیر-
یالیستی در برابر "توطئه ها"،
و "حرکات تجا وز کارانه"
امپریالیسم و در نتیجه جوش
خوردن همه مبارزات آزادی-
خواهانانه مردم با این نبرد
سرنوشت ساز و حیاتی، و در
عین حال خطر تجا وز یا کودتای
ارتجاع و امپریالیسم، کلیت
چشم اندازی را که در برابر ما
قرا ر گرفته نشان میدهد. البته
اگر به تضادهای بر شمرده شده
تضاد مهم میان قدرتهای امپیر-
یالیستی بزرگ بر سر ایسران،
یعنی مشخصا کشاکش آمریکا و
شوروی و عواقب آن را بر سر
انقلاب و کشور نیز در نظر بگیریم،
به امکان تدا و م بحران انقلاب
بی و در عین حال خطراتی که
از بابت نقشه های توطئه-
گران و دست اندازی های
ا بر قدرت ها تهدید ما ن میکنند
بهتری توانیم برد.
البته "پیکار" به دلیل
عدم درک خود از خلعت و تضاد-
های اساسی جامعه ما، کسیه
اساس اولیه سازمان دادن و
رهبری موفقا نه جنبش انقلابی

حقیقت

برای آزادی زندانیان گشت و صنعت با تمام قوا بکوشیم

گشت و صنعت را حداقل در این سه نکته میتوان جستجو کرد: ۱- چون کارکنان مبارز زندانی از اول دوش بدوش زحمتکشان در براندازی رژیم سفاک پهلوی و اخراج عوامل آمریکا از گشت و صنعت نقش بسزایی داشتند... ترس و وحشت مسئولین از این است که وجود کارکنان مبارز در گشت و صنعت سدی است در راه چپ و لگری مدیرعامل و عمالش (شورای فرمایشی و غیره) ... ۲- دوم اینکه این مبارزین از وضع داخلی گشت و صنعت اطلاع داشتند که چه کسانی زمان رژیم سابق به دزدی و جاسوسی مشغول بوده اند لذا مزدوران خود فروخته در پی دستگیری این مبارزین برمی آیند... سوم اینکه هیئت حاکمه و عواملش از نمایش نیروی مستقل کارگران وحشت دارند و چون بیا زده اردی - بهشت روز عید کارگران، روز مبارزه علیه امپریالیسم و عواملش یعنی سرمایه داران وابسته و فئودالها، در پیش بود لذا مدیرعامل با پندار اینکه با دستگیری کارگران مبارزمی - توان جلوی تظاهرات و قدرت نمایی کارگران را بگیرد اقدام به دستگیری آنان نمود...

مردم زحمتکش و انقلابی مغان: بنی صدر و شورای انقلاب و این مدیران ریز و درشتشان هدف مبارزه با ساواک و سیا را ندارند. مسئله این به قدرت خزیدگان سرکوبی خلق کرد حمله به دانشگاهها و دستگیری مبارزین در کارخانجات و غیره و بطور کلی سرکوبی انقلاب و از بین بردن دستاوردهای پریه های قیام خونین بهمن ماه می باشد.

کارگران مبارز با خیزیم و برای آزادی همزمانان مجدا بکوشیم، و توطئه های مدیرعامل و پاسداران را در تفرقه اندازی بین صفوف خودمان درهم شکنیم.

زندانیان سیاسی آزاد باید گردند

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و ساواکشان همدست آنها

۱۳۵۹/۲/۱۰ - یاران انقلابی زحمتکشان مغان

چند هفته ای از دستگیری ۶ نفر از کارکنان مبارز گشت و صنعت میگذرد. بدنبال دستگیری آنها مدیرعامل و مرتجعین محلی و پاسداران مزدور صنعت سمپا و لجن پراکنیهای فراوانی بر علیه این عناصر صادق نموده اند، و انواع و اقسام اهانتهای و فحشها و ناسزاها و همه گونه برچسبهای نادرستی که فقط در شان خودشان است توسط اعلامیه های گوناگون نسبت داده اند. اکنون هم با گماردن پاسداران در کارگاهها میخواهند خنثی بوجود آورده و رعب و وحشت بجان کارگران بیاورند. زندوبیا اصطلاح جلوی مبارزات کارگران را برای آزادی یاران نشان بگیرند، چه خوابهای خوش!!

آنچه که برای مردم مهم است اینست که اگر شما واقعا راست میگوئید که کارکنان زندانی با رژیم سابق و امپریالیسم هم کاری داشته اند، و شما نیز قبای مبارزه با رژیم سابق را به تن کرده اید پس چرا بنی صدر و شورای فدا انقلاب در صدد آب توبه ریختن به روی ساواکیهاست، چنانکه قبل از عید نیز توسط هیئت حاکمه برای ساواکیها عفو عمومی صادر کردید و شورای فدا انقلاب بریاست بنی صدر "بحث آزاد" لایحه ای به تصویب رسانیدند که ساواکیها باز خرید پول کلانی به جیب می زنند (اطلاعات یکشنبه ۱۷ فروردین ۵۹) - واقعیت این است که هیئت حاکمه و عواملش در صدد ادغامی کردن ساواکیها نیستند بلکه طرح ضربتی شان دستگیر کردن مدافعین زحمتکشان و انقلابیون است تا بر احوالی بتوانند با امپریالیستها بویژه امپریالیسم آمریکا ساخت و ساخت کرده و در فرصت مناسب سر انقلاب را بپزند..... علت دستگیری کارکنان مبارز

"حقیقت"

ارگان اتحادیه

کمونستهای ایران

را بخوانید و در

میان مردم پخش

کنید.

کمکهای مالی

خود را به هر طریق

ممکن ارسال کنید.

و تجدید شرایط مبارزه انقلابی بی واقعی که امکانش را امروز نمی بیند، از مبارزه دست کشد و به عزلت نشینی پناه آورد.

البته بدیده ما مصلحت "بیکار" اینست که بهیچ یک از این دو حالت در نیفتد و به جای نگویش خرد بورژوا - منافع از اوضاع و احوال و آید "رکود" جنبش خلق را دوباره سردادن، چنان خود را بگشاید و در شکستگی و رکود خط مشی غلط و انقلابی گری کاذب خود را نتیجه گیری کند. - مادر شماره آینده این - مبحث را ادامه خواهیم داد.

از دو حال خارج نیست: یا "بیکار"، که تمدن را رویا - ندن مبارزه طبقاتی و ملی را دارد یا بد خود هم وارد این مسیر اجتناب ناپذیر دیکته - شده توسط "رژیم" شود، یعنی به بازی با تفاهای کاذب و فرعی و جنایت برادر کشی پردازد، که در این صورت ما - جراجوی نادانی، که در دام سیاست دیگران افتاده، پیش نمی باشد؛ و یا آنکه تا به پایان رسیدن این دوره گویا اجتناب ناپذیر، از ترس در - گیر شدن در تفاهای فرعی و برادر کشی، سبروانتفغان پیشه کند و در انتظار بیان اجتناب ناپذیری این دوره

بیکار

بقیه از صفحه ۷

تحمیل میکنند و سعی می کنند تفاهای کاذب و فرعی و برادر کشی است عجز و لابی ندارد، و آن کس که انقلابی و آگاه است از آن اجتناب خواهد کرد و هرگز از "عبور" از آن و "فرار و پناهندن" کذا و کذا" از درون آن دم نخواهد زد. آن کس که انقلابی و آگاه است از مسیر تفاهای واقعی و اساسی، که قطعاً قدرت فعاله به مراتب بیشتری از مشتاقان کاذب و فرعی دارند (والا که - ذب و فرعی خوانده نمی شوند)، و از مسیر دشمن کشی، حرکت خواهد کرد.